

واکاوی جایگاه تجاری سبزوآر در اواخر عصر قاجار (۱۲۹۹-۱۳۴۴ق)

یعقوب تابش^۱/فاطمه احمدوند^۲

چکیده

منطقه سبزوآر که در گذشته به بیهق معروف بود، همواره به‌عنوان مکانی پراهمیت در کناره شاهراه تجاری فرهنگی خراسان مطرح بوده است. تردد از سبزوآر افزون بر مقاصد زیارتی و اداری، هدف تجاری هم داشت، چنانکه سبزوآر در اواخر دوره قاجار به شهری محوری در زمینه دادوستد داخلی و خارجی تبدیل شد. این پژوهش درصدد است با به کار بردن روش تحقیق تاریخی مبتنی بر ترتیب زمانی رویدادها و بهره‌گیری از تحلیل علی و معلولی و روش کتابخانه‌ای و اسنادی در گردآوری داده‌ها به این پرسش‌ها پاسخ دهد که در اواخر عصر قاجار چه دگرگونی‌هایی در وضع تجاری سبزوآر روی داد؟ و چه عواملی در وقوع این دگرگونی‌ها مؤثر بودند؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند در نیمه اول قاجاریه حکومت به مسئله امنیت و بازسازی زیرساخت‌های ارتباطی که از مقدمات ضروری تجارت هستند توجهی نداشت. در این زمان شیخون ترکمن‌ها و خرابکاری‌های کارگزاران حکومتی از موانع اصلی توسعه تجارت در سبزوآر بودند. چند سال بعد از جلوس ناصرالدین شاه حکومت مرکزی تا حدودی تدابیر آبادگرانه را سرلوحه کار خود قرار داد و روس‌ها بعد از انعقاد قرارداد آخال با سرکوب ترکمن‌ها در آسیای میانه امنیت را به وجود آوردند. این شرایط و اراده روس‌ها برای بهره‌برداری تجاری از مناطق شمالی ایران، زمینه رشد تجارت داخلی و خارجی را در سبزوآر فراهم کرد، به طوری که هم تولیدات خام بومی و هم تجارت منطقه‌ای و خارجی افزایش یافت. در این دوره سبزوآر رونق تجارت خود را بیشتر از آنکه مدیون حکومت قاجار باشد مدیون اقدامات روسیه در تأمین امنیت و توسعه تجارت خود در صفحات شمالی ایران بود.

واژگان کلیدی: سبزوآر، وضع تجارت، قاجاریه، روسیه

An examination of Sabzevar Commercial Status in the Late Qajarid Era (1299-1344AH)

Yaqub Tabesh³/Fatemeh Ahmadvand⁴

Abstract

Sabzevar region, formerly called Beihagh, has always possessed a prominent position alongside the commercial-cultural Kingsway of Khorasan. In addition to pilgrimage and administrative purposes travelling through Sabzevar was done for trading. Therefore, during the late Qajarid Period, it was transformed into a pivotal city with thriving domestic and foreign trade. This research is set to apply historical methodology based on chronology of events and employ cause and effect analogy as well as library and document study to gather data and respond to these questions to represent the changes occurred in Sabzevar commercial status during late Qajarid Period and the factors influencing these changes. Findings of this study indicate that in the first half of Qajarid dynasty much attention has not been paid to the issue of security and commercial infrastructure which are among the preliminary requirements of trading. Over this period, the surprise attack of Turkmen and the sabotage made by government agents were major barriers in commercial development of Sabzevar. A few years after the seating of Nasereddin Shah, the central government adopted some reforms and Russians after signing Akhal contract created security by defeating Turkmen in middle Asia. These conditions and the Russian tendency to access commerce in the northern area of Iran, provided domestic and foreign trade opportunities in Sabzevar, in a way that it remarkably increased both the local raw material and regional trade. In this period, owing to Russian actions regarding keeping security, and development of trade booming in Sabzevar and it played a significant role more than Qajarid dynasty in the northern part of Iran.

Keywords: Sabzevar, commercial status, Qajarid Period, Russia.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه حکیم سبزواری.

۲. استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین * تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۷ * تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۴

3. Assistant Professor of History, Hakim Sabzevari University. Email: y.tabesh@hsu.ac.ir

4. Assistant Professor of History and Civilization of Islamic Nations, Imam Khomeini International University. Email: ahmadvand@ISR.ikiu.ac.ir

مقدمه

منطقه بیهق که امروزه با عنوان سبزواری از آن یاد می‌شود، در برخی از دوره‌ها مانند ساسانیان^۱ و سده‌های میانه جایگاه مهمی در دادوستدهای تجاری در میان شهرهای خراسان و به‌ویژه در کناره شاهراه تجاری خراسان ری داشته است. تاریخ‌نوشته‌های جغرافیایی و از آن میان احسن‌التقاسیم، در قرن چهارم هجری (۱۰ میلادی)، از سبزواری و خسروجرد به‌عنوان دو شهرک آباد در ناحیه بیهق یاد می‌کنند که هر دو در کنار راه واقع‌اند و این راه همان است که مقدسی از آن با عنوان جاده ری نام می‌برد.^۲ در دوره قاجار شهر سبزواری مرکز ناحیه‌ای بود که در قدیم به بیهق موسوم بود. گزارش‌ها و شواهد و قراین نشان می‌دهند سبزواری در طول دوره قاجاریه وضعیت یکسانی را تجربه نکرده است. شیروانی که گزارش خود را در دهه‌های آغازین حکومت قاجار نوشته از آبادانی ناحیه سبزواری در «قدیم‌الایام» می‌گوید و خرابی و ویرانی آن را از زمان حمله ازبکان در زمان شاه عباس اول می‌داند. او با بیان این مطالب به ویرانی و خرابی سبزواری در اوایل دوره قاجار اشاره می‌کند.^۳ کرزن که در اواخر عصر ناصری از سبزواری دیدن کرده رونق بی‌سابقه تجارت در سبزواری را مربوط به چند سال قبل از ورودش به آنجا می‌داند و از کلمه «اخیراً» برای زمان رونق تجارت در سبزواری استفاده می‌کند.^۴ سیاح محلاتی و عین‌السلطنه که در عصر ناصری و مظفری از سبزواری دیدن کرده‌اند آن را «آباد و بزرگ» و دارای بازاری «معمور، طولانی» با «دکاکینی زیاد» وصف می‌کنند.^۵ این گزارش‌ها و سایر اخباری که به‌تفصیل در گفتار «گستره ارتباطی و تجاری سبزواری» در پژوهش حاضر ذکر شده است، نشان از دگرگونی وضع تجارت سبزواری در اواخر دوره قاجار دارد. از این رو این پژوهش که طی یک دوره فرصت مطالعاتی کوتاه مدت در مرکز پژوهشی جاده ابریشم در دانشگاه شهید بهشتی انجام شده، درصدد است جایگاه تجاری سبزواری را در اواخر عصر قاجار براساس مطالعات تاریخ اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر قابلیت‌های تجاری شهر در مسیر یک شاهراه دیرینه بررسی کند و با بهره‌گیری از روش تحقیق تاریخی، مبتنی بر ترتیب زمانی رویدادها و بهره‌گیری از تحلیل علی و معلولی و روش کتابخانه‌ای و اسنادی در گردآوری داده‌ها به این پرسش پاسخ دهد که در اواخر عصر قاجار چه دگرگونی‌هایی در وضع تجارت سبزواری روی داد؟ و چه عواملی در وقوع این دگرگونی‌ها مؤثر بودند؟ شهر و ناحیه سبزواری موضوع مقالات و کتاب‌های متعددی است، اما هیچ‌کدام به موقعیت تجاری

۱. در جریان بنیانگذاری و نوسازی و توسعه شهرهای عصر ساسانی، این شهر «ساسان‌آباد»، به نام ساسان پسر بهمن از پادشاهان کیانی و یا ساسان نیای اردشیر بابکان، و نیز «ساسویه‌آباد»، به نام ساسویه پسر شاپور، خوانده می‌شد. علی بن زید بیهقی، تاریخ بیهق (تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۶۱)، صص ۴۰-۴۳.
 ۲. محمد بن احمد مقدسی، احسن‌التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ج ۲ (تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱)، ص ۴۶۵.
 ۳. زین‌العابدین بن اسکندر شیروانی، بستان‌السیاحه (تهران: سنائی، بی‌تا)، ص ۳۰۵.
 ۴. جورج ناتانیل کرزن، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۱ (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰)، ص ۳۶۰.
 ۵. قهرمان میرزا سالور، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۲ (تهران: اساطیر، ۱۳۷۴)، ص ۱۶۶۶؛ محمدعلی سیاح محلاتی، «سبزواری و نیشابور در عصر ناصری»، حافظ ۹۷، ش ۱ (شهریور ۱۳۹۱)، ص ۱۶.

سبزوآر در اواخر دوره قاجاریه نپرداخته‌اند. کتاب تاریخ سبزوآر^۱ اثر علینقی امین در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول تاریخ مختصر سبزوآر از سقوط ساسانیان تا دوره معاصر را در بر می‌گیرد و بخش دوم شامل شرح احوال و آثار بزرگان و دانشمندان سبزوآر، بیهقی، جوین و اسفراین است. کتاب سبزوآر شهر دانشوران بیدار^۲ اثر محمود بیهقی نیز بیشتر به رجال و مشاهیر سبزوآر از قرن سوم تا دوره معاصر پرداخته است. تذکره سخنوران بیهقی^۳ اثر حسن مروجی نیز، همان‌طور که از نامش پیداست، سرگذشت ادیبان و سخنوران سبزوآر را شرح می‌دهد. موضوع این سه کتاب ارتباطی با موضوع پژوهش حاضر ندارد. کتاب دیگر محمود بیهقی با عنوان سبزوآر، شهر دیرینه‌های پایدار^۴ جغرافیای تاریخی سبزوآر، تطور و دگرگونی نام شهر و تاریخ و جغرافیای آن را مطالعه می‌کند. در بخش چهارم آن مباحث اقتصادی، شامل محصولات کشاورزی و طبی، فرآورده‌های دامی، صنایع پایه و صنایع دستی، معادن، خدمات دولتی و بازرگانی دوره معاصر بررسی شده است. اما داده‌های مهمی درباره تجارت سبزوآر در دوره قاجار ارائه نمی‌دهد و اطلاعاتش بیشتر مربوط به دوره‌های پسا قاجاری است. مقالات ماهنامه حافظ^۵ درباره سبزوآر، از جمله مقاله‌های حسن امین و دیگران، هرچند تک‌نگاری‌های مفیدی به شمار می‌روند، به خاطر ماهیت ماهنامه، تحلیلی روشمند درباره وضع تجاری سبزوآر به دست نمی‌دهند. این پژوهش درصدد است با اتکا بر گزارش‌های عینی و دست اول موقعیت تجاری سبزوآر در اواخر عصر قاجار را بررسی کند.

۱. قرارداد آخال^۶ و امنیت مسیرهای ارتباطی سبزوآر

۱-۱. ناامنی جاده‌ها پیش از انعقاد قرارداد آخال

مقاله امنیت از مهم‌ترین مؤلفه‌ها برای رونق تجارت داخلی و خارجی و تولید است. در دنیای پیشامدرن، به دلیل محدود بودن وسایل ارتباطی، نبود امنیت مانع بزرگی برای پیشبرد اهداف تجاری بود. از نخستین سال‌های روی کار آمدن قاجاریه، سبزوآر بنا به دلایل گوناگون با شیخون و تهدید همسایگان، به‌ویژه شماری از ایل تباران، مواجه شد. در سال ۱۲۱۵ق/ ۱۸۰۰م الهیارخان قلیچی، حاکم سبزوآر، افزون بر سپاهیان حکومت مرکزی، با ترکمانان نیز رویارو شد. ترکمانان «حوالی آن ولایت را مانند سراب بی‌آب» کرده بودند و قلیچ آقای قلیچی، فرمانده سپاهیان الهیارخان، در جریان تعقیب ترکمانان کشته شد.^۷ در

۱. علینقی امین، تاریخ سبزوآر (تهران: دایرةالمعارف ایران‌شناسی، ۱۳۸۲).

۲. محمود بیهقی، سبزوآر شهر دانشوران بیدار (سبزوآر: دانشگاه آزاد اسلامی (سبزوآر)، ۱۳۷۶).

۳. حسن مروجی، تذکره سخنوران بیهقی (سبزوآر: امید مهر، ۱۳۸۸).

۴. محمود بیهقی، سبزوآر، شهر دیرینه‌های پایدار (مشهد: کتابستان، ۱۳۷۰).

۵. این ماهنامه به مدیر مسئولی و سردبیری سید حسن امین از فروردین ۱۳۸۳ تا آبان ۱۳۹۲ منتشر می‌شد.

۶. این قرارداد به تاریخ ۲۲ محرم ۱۲۹۹ق/ ۱۴ دسامبر ۱۸۸۱م میان میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک انصاری، وزیر امور خارجه ایران، و ایوان زینوویف، وزیرمختار روسیه در تهران، منعقد شد.

۷. فضل‌الله بن عبدالنبی خاوری شیرازی، تاریخ ذوالقرنین (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰)، ص ۱۶۰.

سال ۱۲۳۶ق/۱۸۲۱م محمد رحیم خان اوزبک پیرامون ولایت جوین و سبزوار را مورد تاخت و تاز قرار داد. اگرچه علی مراد خان قلیچی، حاکم جوین، آنها را تعقیب کرد و بسیاری از غنایم را باز پس گرفت و هفتاد نیزه سر و یک صد نفر زنده از آنها را به دربار شاه قاجار فرستاد، شاه سردارانی را برای تنبیه ازبکان و ترکمانان گسیل داشت و این سپاه «خون اکثری از آن جماعت را با خاک راه آمیختند» و زنان و پسران و دختران آنها را اسیر و بین سپاهیان تقسیم کردند.^۱ شاهزاده سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه، پسر عباس میرزا و عموی ناصرالدین شاه و فاتح هرات، بعد از فرونشاندن شورش سالار در خراسان، دست به اقدام نظامی علیه ترکمانان زد و حتی برای مدتی آنها اطاعت از حکومت مرکزی را پذیرفتند. اما این شیوه مواجهه نه تنها مفید نبود بلکه موجب شکل‌گیری حملات انتقام‌جویانه علیه رعایای غیر مسلح شد. نیروهای نظامی حکومت مرکزی پایگاه ثابتی برای ممانعت از حمله ترکمانان نداشتند. از این رو ترکمانان در موقع مقتضی حمله را از سر می‌گرفتند و این رویه تا اواخر سلطنت ناصرالدین شاه ادامه داشت. ترس از یورش ترکمانان گستره وسیعی را در بر می‌گرفت: چهار منزل بین مزینان و شاهرود، به‌ویژه از خیرآباد شاهرود تا صدرآباد مزینان. بین مشهد و مزینان، عشق‌آباد و مشهد، سرخس تا فراه و حتی شاهرود تا قم روستاییان برج‌های متفرقی ساخته بودند که غیر از کارکرد دیده‌بانی و اطلاع‌رسانی کار حفاظت از آنها را نیز انجام می‌دادند. روستاییان اگر به دست ترکمانان اسیر می‌شدند، ممکن بود در بازارهای بخارا و خیوه فروخته شوند.^۲

البته یک گروه محافظ نظامی از شاهرود و مزینان، شامل عده‌ای پیاده‌نظام تفنگدار و دسته توپچی، ماهی دو بار حرکت و در میاندشت نفرات خود را تعویض می‌کردند. تأمین مخارج تفنگداران مزینان که ۱۵۰ نفر بودند و دوازده توپچی و اسب‌ها بر دوش افراد آن حدود بود که به جای مالیات معمولی می‌پرداختند. غالباً قافله زوار در شب رهسپار می‌شد: ابتدا تفنگداران پیاده یا الاغ‌سوار پیش می‌رفتند که بیشتر اوقات برای ایمنی بیشتر، خود را به دستگاه توپ نزدیک می‌کردند. وقتی کرزن از منطقه عبور می‌کرد داستان‌های متعددی از دستگیر شدن یک یا چند تن از زوار بر سر زبان‌ها بود.^۳

با وجود این، تدابیر امنیتی حکومت نمی‌توانست راه را به اندازه‌ای امن کند که تجار با خیال راحت به امر دادوستد در مهم‌ترین شاهراه تجاری خراسان ری بپردازند. تا پیش از انعقاد قرارداد آخال زوار و تجار که دو گروه اصلی مسافری بودند باید خود را با رفت‌وآمد نیروهای محافظ دولتی هماهنگ می‌کردند، در

۱. همان، ص ۵۳۰.

۲. کرزن، ج ۱، ص ۳۶۹؛ سلطان محمد میرزا قاجار سیف‌الدوله، سفرنامه سیف‌الدوله (تهران: نی، ۱۳۶۴)، ص ۳۰۰؛ هانری رنه دالمانی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری؛ مشتمل بر طرز زندگی، آداب و رسوم، اوضاع اداری، اجتماعی، اقتصادی، فلاحی و صنایع ایران از زمان قدیم تا پایان سلطنت قاجاریه، ترجمه علیمحمد فروشی (تهران: ابن‌سینا، ۱۳۳۵)، ص ۶۷۸؛ مصطفی طهرانی، سفرنامه گوهر مقصود: خاطرات سیاسی و اجتماعی دوره استبداد صغیر (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۵)، ص ۳۵.

۳. کرزن، ج ۱، صص ۳۷۱-۳۷۲.

غیر این صورت هیچ تضمینی برای حفظ اموال و جان آنها وجود نداشت.^۱ از این رو نبود امنیت مهم‌ترین مانع برای تجارت شهرهایی مثل سبزوآر بود که در گذرگاه باستانی ابریشم واقع شده بودند.

۱-۲. تأثیر امنیتی قرارداد آخال

مسئله امنیت دستاویز محکمی بود برای قانع کردن حکومت مرکزی و اجرای سیاست موازنه مثبت بین روسیه و انگلیس که در آن زمان ناتوانی حکومت مرکزی را در تصمیم‌گیری برای حدود قلمروش جبران می‌کردند. ضعف شاه قاجار در حفظ تمامیت ارضی و دخالت دولت‌های روسیه و انگلیس در موارد متعدد تمامیت ارضی ایران را وجه‌المصالحه قرار داد. درباره پیشروی روس‌ها در آسیای مرکزی میان انگلیسی‌ها دو نظر وجود داشت: گروهی عقیده داشتند باید به ایران در برابر سیاست‌های توسعه‌طلبانه روسیه کمک کنند و گروهی این فعالیت‌ها را جاه‌طلبی سرداران روس قلمداد می‌کردند نه توسعه‌طلبی دولت روسیه. گروه اخیر که سیاست انگلستان براساس نظر آنها پیش می‌رفت، به سیاست موازنه مثبت یا منفعت بردن دو طرف در روابط انگلستان و روسیه در ایران باور داشتند^۲ و پس از قرارداد آخال با روسیه همسو شدند و اقدام روس‌ها را با مستمسک قرار دادن مسئله امنیت توجیه کردند. کرزن که یکی از مردان تأثیرگذار در سیاست انگلستان بود، می‌نویسد:

دولت روس راجع به این ایالت خراسان هر گونه خیالات که داشته باشد باز نه فقط ایران بلکه مسافر بین مشهد و تهران باید امتنان و سپاس پایدار نسبت به آن دولت ابراز نماید، زیرا که روسیه به این ماجرای فتنه و آفت پایان داده است. البته آن کار بدون ملاحظه اغراض خصوصی نبوده یا برای خاطر منافع ایران و کمتر از آن لحاظ نوع‌پروری روسیه چنین کاری نکرده است، بلکه منظور وقتی حاصل شد که آن دولت با موفقیت مبارزه بر ضد ترکمن‌های اتک حوزه ماورای بحر خزر را انجام داد، ولی بهتر این است که ما در پی علت امر نرویم، بلکه به نتیجه کار بنگریم و به این مناسبت دولت روس و خودمان را مورد درود و تهنیت قرار دهیم، زیرا که از دوره عملیات جنگی اسکولف در سال ۱۲۹۸ق/۱۸۸۱م و از دنبال آن الحاق سرزمین ترکمن‌های آخال تک به روسیه جاده مشهد و تهران مطلقاً امن و امان شده است.^۳

قرارداد آخال تا آنجا که به حفظ تمامیت ارضی ایران مربوط می‌شد برای ایران دستاورد مثبتی نداشت، اما با توجه به ناتوانی دولت ایران در پاسبانی از مرزها و ایجاد امنیت در راه خراسان موفقیت به شمار می‌رفت. این قرارداد هر چند در مرحله اجرا روندی تدریجی داشت، گزارش‌ها نشان می‌دهند یکی از نتایج قطعی آن تأمین امنیت راه خراسان بود. مدتی کوتاه پس از انعقاد قرارداد، در نوروز سال ۱۳۰۰ق/۱۸۸۳م، حکومت

۱. همان، ص ۳۶۹.

۲. برای آگاهی بیشتر ن. ک.: فیروز کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران: ۱۸۶۴-۱۹۱۴؛ پژوهشی درباره امپریالیسم، ترجمه منوچهر امیری (تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱)، صص ۱-۹۰.

۳. کرزن، ج ۱، ص ۳۷۱.

ایران ضرورتی برای نگهداری از نیروهای محافظ راه ننید. توپ و توپچی را به مشهد منتقل کرد، و ۱۵۰ پیاده تفنگچی را که در روستای کهک، قبل از داورزن و مزینان، مستقر بودند به ۷۵ سواره نظام کاهش داد.^۱ مسافری که در شوال همین سال از عباس آباد به سوی شرق می‌رفت، بعد از یک فرسخ از عباس آباد، از چند چشمه آب مختصر و قلعه و برجی که پیش تر قراول خانه راه برای دفع تاخت ترکمن‌ها بوده است یاد می‌کند.^۲ او تسخیر اراضی ایران توسط روس‌ها را با توجه به وضعیت آن زمان به منفعت کشور ایران می‌داند، زیرا با آنکه دولت هر سال مبالغی صرف «قشون ساخلوی خراسان و تعمیر قلعه‌جات» آنجا می‌کرد، امنیت راه‌ها تأمین نبود و «اموال و نفوس و اعراض مسلمین از سایر و زائر در معرض اتلاف و اهلاک بود و در این دو سال، به واسطه مقهور شدن تراکمه، خیلی امنیت حاصل شده است.»^۳

پیروزی نهضت مشروطیت و رویارویی گروه‌های سیاسی و اجتماعی تحولاتی همچون استبداد صغیر، مخالفت روسیه با مشروطیت، فتح تهران، خلع محمدعلی شاه از سلطنت را در پی داشت. این رویدادها و پیامدهای آن بر امنیت ناحیه سبزوار تأثیر داشت. بعد از یک دوره طولانی، تهدید امنیتی ترکمانان از سر گرفته شد، تا آنجا که انجمن ولایتی خراسان از حاکمان پیرامون کمک خواست. افزون بر این، تکاپوهای شخصی به نام رشیدالسلطان که از شاه مخلوع فرمان می‌برد بر بحران امنیتی منطقه افزود و مردم برخی نواحی سبزوار همچون کوه‌میش را که با خشک‌سالی و کاهش تولید مواجه شده بودند در تنگنا قرار داد.^۴ این رویدادها نشان داد وضعیت امنیت و به تبع آن تجارت در ناحیه سبزوار بیشتر از آنکه عاملی درونی باشد عاملی بیرونی است.

۲. تأثیر کارگزاران حکومت مرکزی^۵

افزون بر مسئله نبود امنیت در دوره پیشا قرارداد آخال، یکی دیگر از موانع توسعه تجاری و ارتباطی سبزوار در این دوره نحوه حکمرانی و روابط حکمرانان با حکومت مرکزی بود. خودفرمان^۶ نبودن شهر

۱. سفرنامه‌های خطی فارسی، ج ۱ (تهران: نشر اختران، ۱۳۸۸)، ص ۶۴۶.

۲. همان، ص ۶۴۵.

۳. همان، ص ۶۴۸.

۴. برای آگاهی بیشتر ن.ک.: روزنامه خورشید، ۱ ش ۶۴، سوم شوال ۱۳۲۵ق؛ آرشیو سازمان اسناد ملی، حلقه ۷۴، پرونده ۳۷، حلقه ۱۳۱، پرونده ۷.
 ۵. تمایل حکومت مرکزی به اطاعت محض حاکم سبزوار در دوره فتحعلی شاه و اوایل دوره ناصری و تعیین شاهزادگان و حاکمانی که مستقیم یا غیر مستقیم با نظر حکومت مرکزی منصوب می‌شدند، نظام patrimonial یا شه‌پدیری را در ذهن تداعی می‌کند. شه‌پدیری یکی از انواع نظام‌های سیاسی سنتی است که ماکس وبر آن را وضع کرده است. نظام شه‌پدیری از توسعه دستگاه پدرسالاری (patriarchal) پدید می‌آید. برای آگاهی بیشتر ن.ک.:

Max Weber, *Economy and Society: An Outline of Interpretive Sociology* (Losangelese: University of California Press, 1978), pp. 1013-22.

۶. اصطلاح غیرخودفرمان را ماکس وبر برای شهرهای شرقی وضع کرده و احمد اشرف آن را جزء ویژگی‌های شهرهای ایرانی در دوره اسلامی برشمرده است. هرچند در تاریخ سیاسی ایران از جمله در دوره قاجار مناطقی بودند که به صورت نیمه‌مستقل یا نیمه‌خودفرمان اداره می‌شدند یا حاکمان آنها علیه حکومت مرکزی دست به شورش می‌زدند. شهرهای خودفرمان (کشور شهر یا دولت شهرها) از نظر سیاسی، قضایی، قانون‌گذاری و روابط خارجی و اقتصادی مستقل بودند. نیمه‌خودفرمان اصطلاح دیگری است که برای شهرهایی به کار می‌رود که در چند مؤلفه خودفرمان بودند و در برخی دیگر غیرخودفرمان. به نظر می‌رسد در معادل‌سازی فارسی این اصطلاحات مهرداد بهار به اشرف کمک کرده باشد. برای آگاهی بیشتر ن.ک.: احمد اشرف، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، نامه علوم/اجتماعی، ش ۴ (۱۳۵۳)، صص ۷-۴۹.

سبزووار، دست کم در بُعد سیاسی، این شهر را متأثر از اوضاع سیاسی حکومت مرکزی می‌کرد و این موضوع بر اوضاع اقتصادی آن تأثیر داشت. توسعه یا افول شهرنشینی، تأمین امنیت یا نبود ثبات سیاسی، مالیات‌های مضاعف و سنگین یا بخشودگی‌های مالیاتی، زوال یا توسعه کشاورزی می‌توانست افول یا رشد شهرهای غیرخودفرمان را در پی داشته باشد. اگر حکومت از اقتدار مناسب برای اداره کشور برخوردار و در صدد تقویت بنیه اقتصادی کشور بود و تنها به تأمین مخارج خود از هر طریقی نمی‌اندیشید امید بهبود وجود داشت. در غیر این صورت حاکم شهر در قلمرو خود فعال مایشاء بود و عملکرد خوب یا بد او جنبه شخصی پیدا می‌کرد. تنها دغدغه او تأمین مالیاتی بود که باید به خزانه حکومت مرکزی می‌پرداخت. نیروهای محلی نمی‌توانستند به‌طور مستمر حاکم را بر اساس منافع محلی وادار به اتخاذ تدابیر مناسب کنند.^۱ البته اعتراض‌های دیر هنگام به حاکمی که در اجحافات خود دچار افراط می‌شد امکان‌پذیر بود، اما این اعتراض‌ها در لحظات آخر، آنجا که کارد به استخوان می‌رسید، انجام می‌شد و نمی‌توانست کنترل و محدودیت دائمی حاکم را در پی داشته باشد و رفتار او را بر اساس مصالح شهر تغییر دهد. نمونه‌ای از تأثیرات نظام شه‌پدیری در ناحیه سبزووار سرگذشت حکومت شاهزاده ارغون میرزا در سال‌های آخر سلطنت فتحعلی شاه در سبزووار است. او دو سه سال در این ولایت ماند و با رشادت و بی‌باکی منطقه را از آسیب خوانین پیرامون حفظ کرد، اما در این رفتارهای بی‌باکانه فرقی بین دوست و دشمن نمی‌گذاشت و «با عابرین و مجاورین رفتاری به سیاق ترکمانان قطاع‌الطریق می‌کرد و همواره اوقات از این قبیل رفتارهای ناهنجار به عمل می‌آورد.» تا اینکه در سال ۱۲۴۶ق/۱۸۳۱م اهالی سبزووار از بدرفتاری کارگزاران او به تنگ آمده، علیه او شورش کردند. شاهزاده مصلحت را در فرار دید. به دامغان رفت و از راه بیابان جندق نزد شاه رفت. اما از ترس شاه به اصطبل شاهی پناهنده شد و سرانجام با وساطت بزرگان مورد عفو قرار گرفت.^۲ برعکس این مورد در سال‌های پایانی دوره قاجار^۳ روی داد. این بار مردمی که با اقدامات حاکم مخالف بودند به قول خودشان نتوانستند از تلگراف برای رساندن اعتراضاتشان به حکومت مرکزی استفاده کنند. آنها مجبور شدند عریضه خود را از طریق پستخانه شاهرود به تهران ارسال کنند.^۴

۱. معمولاً حاکمانی که از سوی حکومت مرکزی حاکم ناحیه‌ای می‌شدند قدرت خود را مدیون شاه بودند و توجه یا عدم توجه آنها به نیروهای محلی امری سلیقه‌ای بود.

۲. خاوری شیرازی، ج ۳، صص ۷۸۴-۷۸۵.

۳. شوربختانه تاریخ نامه بر روی آن نوشته نشده است. اما از آنجا که این نامه در زمان حکومت امیر ارفع یا همان میرزا هادی خان سالار حشمت نوشته شده و حکومت او بنا بر یادداشت‌های قاسم غنی در سال‌های پایانی عهد قاجار بوده، احتمالاً تاریخ نامه بین سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۲ق است. قاسم غنی، یادداشت‌های دکتر قاسم غنی، به کوشش سیروس غنی، هاله اسفندیاری و حسین نمینی (تهران: آبان، ۱۳۶۱)، ج ۱، صص ۱۷۵-۱۷۷.

۴. آرشیو اسناد مؤسسه تاریخ معاصر ایران، شماره راهنما: ۳۹-۱۸۹۵-۱۱م.

در عصر صفوی حاکم سبزواری وزیر کل خراسان هم بود.^۱ این منصب با توجه به اینکه منصبی کشوری از نوع مالی محسوب می‌شد مؤید اهمیت اقتصادی سبزواری است. پس از سقوط صفویه، فروپاشی ساختار سیاسی حکومت مرکزی بر ساختار اقتصادی کشور و به تبع آن اقتصاد سبزواری تأثیر گذاشت. سیاست تک‌ساختی نادر شاه در توجه افراطی به نیروهای نظامی، از طریق فشار مالیاتی به بخش‌های کشاورزی و دامداری، اقتصاد کشور را به زیان بخش‌های تولیدی پیش برد.^۲ سبزواری از زمان مرگ نادر شاه در تصرف اللهیارخان قلیچی بود. قلیچی‌ها شعبه‌ای از اویماق تگتمش و از بزرگ‌ترین قبایل دشت قبچاق به شمار می‌رفتند. درگیری‌های اللهیارخان با حاکمان پیرامون سبزواری و حکومت مرکزی مجالی برای رونق تجارت و فعالیت اقتصادی باقی نمی‌گذاشت. اگرچه او چند قلعه را به منظور استقلال خود از حکومت مرکزی مستحکم کرد، اقتدار زیادی نداشت و همیشه در معرض حملات و آسیب‌های امرای پیرامون بود.^۳ در اوایل حکومت فتحعلی شاه او در برابر حکومت مرکزی ایستاد، اما مقاومتش در برابر مرکز سرانجام خوشی نداشت. سپاهیانی که از سوی حکومت مرکزی برای سرکوب او اعزام شدند «به تخریب قری و مزارع و قنوات و باغات حوالی سبزواری» اقدام کردند.^۴ این اقدام سپاهیان شاه از تأثیرات منفی نظام شه‌پدیری بر ساختار اقتصادی ناحیه سبزواری بود.

پس از کنار گذاشته شدن خاندان قلیچی حکومت سبزواری به شاهزادگان قاجار واگذار شد. به نظر می‌رسد این شاهزادگان یا به‌طور مستقیم از پایتخت منصوب می‌شدند یا آن‌طور که در اواخر عصر قاجار مرسوم بود، گاهی از جانب حاکم خراسان که منصوب شاه بود انتخاب می‌شدند.^۵

در جریان فتنه سالار، در اوایل جلوس ناصرالدین شاه، قوای اعزامی شاه به فرماندهی حسام‌السلطنه برای دفع سالار راهی خراسان شدند. در اوایل سال ۱۲۶۵ ق/ ۱۸۴۹ م سبزواری محاصره شد، اما برف باریدن

۱. تذکره الملوک، به کوشش محمد دبیرسیاقی (تهران: طهوری، ۱۳۳۲)، ص ۸۱؛ کلاوس میسائیل رهبربن، نظام ایالات در دوره صفویه، ترجمه کیکاوس جهاننداری (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳)، ص ۱۵۸. در قرن دهم/ شانزدهم بوداق منشی از شخصی به نام آقا کمالی به‌عنوان وزیر کل خراسان یاد می‌کند که در سبزواری مستقر بود. بوداق منشی قزوینی، جواهر الاخبار: بخش تاریخ ایران از قراقویونلو تا سال ۹۸۴ ق، تصحیح محسن بهرام‌نژاد (تهران: دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸)، ص ۱۸۹.

۲. برای آشنایی با زمینه بحث ن. ک: جان فوران، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین (تهران: رسا، ۱۳۹۲)، صص ۱۲۶-۱۳۶.

۳. جان ملکم، تاریخ کامل ایران، ترجمه اسماعیل بن محمدعلی حیرت، ج ۲ (تهران: افسون، ۱۳۸۰)، ص ۵۹۸.

۴. خاوری شیرازی، صص ۱۳۶، ۱۴۴، ۱۶۰. در واقع نیروهای حکومت مرکزی برای موجودیت شهر شورشی ارزشی قائل نبودند. آنچه بر سر ناحیه سبزواری آمده بود بارها در تاریخ ایران تکرار شده است. تخریب شهر شوشتر توسط شاپور دوم، غارت سبزواری و تخریب شاه‌دیوار آن در سال ۴۹۰ ق/ ۱۰۹۷ م توسط ملک ارغو پسر آب ارسلان، تخریب قلعه سبزواری در سال ۵۴۳ ق/ ۱۱۴۹ م به فرمان همسر سلطان سنجر، تخریب و کشتار مردم سبزواری به فرمان خوارزمشاه ینالتکین بن محمد در سال ۵۴۹ ق/ ۱۱۵۵ م، غارت و کشتار مردم سبزواری و ویرانی شهر در سال ۹۹۱ ق/ ۱۵۸۴ م به دستور شاهزاده صفوی. ن. ک: اشرف، ص ۹؛ بیهقی، صص ۲۶۹-۲۷۱؛ محمود بن هدایت‌الله افوشته‌ای نطنزی، نقایه الآثار فی ذکر الاخیار فی تاریخ الصفویه، تصحیح احسان اشراقی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳)، صص ۱۵۱-۱۵۲. این رویدادها مؤید این است که اولویت حکومت مرکزی حفظ اقتدار خود بود و بیشتر از آنکه تعمیر و آبادانی را وظیفه خود بداند، تخریب را به‌منظور تأدید و فرمان‌بری رسالت خود می‌دانست.

۵. رضاقلی خان هدایت، فهرس التواریخ (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳)، ص ۴۲۳؛ میرزا خانلرخان، سفرنامه خانلرخان اعتصام‌الملک (تهران: منوچهر محمودی، ۱۳۵۱)، ص ۷۶؛ سفرنامه‌های خطی فارسی، ج ۱، ص ۶۵۱.

گرفت و شاهزاده محاصره شهر را رها کرد و به سوی قوچان شتافت و پس از درگیری با متحدان سالار در سرولایت، صفی‌آباد و جوین دوباره به سبزوآر برگشت و این بار با پیوستن قوای جدید توانست سبزوآر را فتح کند.^۱ نیروهای دولتی توانستند با همکاری برخی متحدان سالار دروازه‌های سبزوآر را بگشایند. این رویداد مردم شهر را دچار تشویش کرد.^۲ ترس آنها از این بود که دوباره به همان مصیبت زمان فتحعلی شاه گرفتار شوند.

رفتارهای حاکمی که توسط مرکز تعیین می‌شد، دلبخواهانه و غیرقابل کنترل بود. عین‌السلطنه از رفتارهای عجیب حاکمی به نام مظفرالملک از زبان مردم سبزوآر سخن به میان می‌آورد که از فرط ستمکاری مردم به او «حجاج» یا «عبیدالله زیاد» می‌گفتند. او براساس شنیده‌های خود از مردم درباره برخی از رفتارهای مظفرالملک می‌نویسد:

شخصی را گرفته و پنجاه تومان جریمه گرفت که چرا رو به قبله ادرار کرده. از دیگری سی تومان گرفت که کنار نهر آب درخت کاشته است. از آسیابانی بیست تومان گرفت که چرا آسیاب بالا زد. روز عید به هر کس یک پنج‌هزاری داد سی تومان دو روز بعد جریمه گرفت. از این مدرسه حاجی مرحوم سیصد تومان گرفت. آقای حاج میرزا حسن مجتهد را به چه خفت تبعید کرد. در جوین چه کارها کرد. تمام این بلد دعاگو و ثناخوان ایشان تا قیام قیامت هستند...^۳

از آنچه مطرح شد معلوم می‌شود که از همان اوایل دوره قاجار حکومت مرکزی با حاکم سبزوآر میانه خوبی نداشت. هدف حکومت تنها تنبیه خاندان قلیچی نبود. سپاهیان اعزامی با در پیش گرفتن روشی خصمانه روستاها، مزارع و باغات را خراب کردند.^۴ مهم‌ترین هدف حکومت مرکزی تبعیت کامل حاکم و مردم سبزوآر از شاه بود. بناها و زیرساخت‌های تخریب‌شده مؤید این است که دولت خود را مکلف به بازسازی و آبادانی نمی‌دانست. البته مردم هم توقعی از دولت در این زمینه نداشتند. در قیام سالار هم سبزوآر به‌عنوان دروازه خراسان از شهرهای اصلی مقاومت در برابر تهران بود، از این رو خشم سپاهیان اعزامی را علیه خود برانگیخت. با این حال حسام‌السلطنه که سرکوبگر طغیان سالار بود، در زمانی که به حکومت خراسان گماشته شد رویه‌ای آبادگرانه در پیش گرفت. تأسیس بناهای جدید در منازل بین راه از قبیل چاپارخانه‌ها، یخچال‌ها و تعمیر بناهای در حال خرابی نشان می‌داد دوره جدیدی شروع شده

۱. محمدجعفر بن محمدعلی خورموجی، تاریخ قاجار: حقایق الاخبار ناصری (تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۳۴)، ج ۲، صص ۵۰-۵۲؛ چارلز ادوارد بیت، سفرنامه خراسان و سیستان، ترجمه مهرداد رهبری و قدرت‌الله روشنی (تهران: یزدان، ۱۳۶۵)، ص ۲۹۸.

۲. محمدحسین بن علی اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان (تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۶۷)، ج ۲، ص ۹۶۶.

۳. سالور، ج ۲، ص ۱۶۶۵.

۴. خاوری شیرازی، صص ۱۳۶، ۱۴۴، ۱۶۰.

که دولت به جای سیاست تخریبی سیاست خدمتگزاری گاه‌به‌گاهی یا نسبی را در پیش گرفته است.^۱ در سال ۱۲۶۹ق/۱۸۵۳م ناصرالدین شاه مالیات قپان بلده سبزوار را به کلی بخشید.^۲ افزون بر این مردم سبزوار از فرستادن افراد برای قشون دولتی معاف بودند و از سال ۱۲۸۴ق/۱۸۶۸م که شاه به سبزوار آمد اهالی آنجا از خدمت سربازی معاف شدند.^۳ شاه در همین سفر چون ارگ شهر به مرور زمان «خرابی به هم رسانیده بود» به حاکم خراسان دستور داد آن را مرمت نماید.^۴ چند سال بعد یک مسافر درباره ارگ سبزوار می‌نویسد «ارگ این شهر بسیار مرتفع و مستحکم است و گویند همان دز سفید است که در آن جنگ سختی میان افراسیاب و ایرانیان واقع شده است.»^۵ بعد از شورش سالار دیگر شورش قابل توجهی در منطقه اتفاق نیفتاد و خوانین و مدعیان از سرزمین‌های پیرامون به سبزوار حمله نکردند. از سوی دیگر سیاست روسیه در این زمان بهره‌برداری اقتصادی از ایران به‌ویژه در مناطق شمالی بود. از این رو بعد از قرارداد آخال و امن شدن راه‌ها یک دوره آرامش نسبی به وجود آمد که طی آن حجم تولید و تجارت داخلی و خارجی افزایش یافت. مقایسه نقش دولت قاجار و روسیه در فراهم آوردن زمینه‌های رونق‌گیری کار تجارت در منطقه سبزوار نشان می‌دهد اقدامات دولت روسیه در تأمین امنیت (در گفتار پیشین به این موضوع پرداخته شد) و اراده این کشور در بهره‌گیری تجاری از صفحات شمالی کشور بسیار مؤثرتر از اقدامات محدود حکومت قاجار در برقراری تسهیلات ارتباطی بود. همان‌طور که در همین گفتار بیان شد، دولت قاجار در نیمه اول حیاتش افزون بر اینکه در ایجاد امنیت پایدار در منطقه سبزوار موفق نبود، کارگزارانش، به‌استثنای حسام‌السلطنه، نقشی مخرب در زمینه تجارت داشتند. به عبارت دیگر، دولت قاجار ابتکار عمل را در دست نداشت و نقش آن در رونق تجارت منطقه سبزوار نقشی تبعی و تعیین‌شده از سوی دیگران، به‌ویژه روس‌ها، بود.

۳. تولیدات و اقلام تجاری سبزوار

اساس تجارت چه در دوره پیشامدرن و چه در دوره مدرن بر نظام تولید متکی است. نظام تولید در سبزوار بیشتر بر مدار کشاورزی و دامداری می‌چرخید.^۶ غیر از نواحی کوهپایه بیشتر زمین‌ها هموار و از نوع دشتی بود. تنها کشتزارهای معدودی از آب رودخانه‌های فصلی مشروب می‌شدند و آبیاری بیشتر متکی

۱. برای آگاهی بیشتر ن. ک. صفرنامه ست. برخلاف گذشته که به: سیف‌الدوله، صص ۳۰۰-۳۰۳؛ اعتمادالسلطنه، ج ۳، ص ۱۵۳۹؛ سفرنامه‌های خطی فارسی، ج ۱، صص ۶۴۸-۶۵۲
 ۲. اعتمادالسلطنه، ج ۲، ص ۱۱۵۹.
 ۳. کرزن، ج ۱، ص ۲۷۷.
 ۴. اعتمادالسلطنه، ج ۳، ص ۱۵۳۹.
 ۵. سفرنامه‌های خطی فارسی، ج ۱، ص ۶۵۱.
 ۶. برای آگاهی بیشتر ن. ک. سیف‌الدوله، صص ۲۹۹-۳۰۴.

بر قنوات بود. وجود عوامل تولید شامل آب، زمین و نیروی کار مقدمات ضروری برای دادوستد داخلی و خارجی است. اما ممکن است هر تولیدی لزوماً به دادوستد منجر نشود. غیر از مقدمات ضروری، در واقع مازاد تولید منطقه‌ای یک کالا، امنیت و بازار مصرف می‌تواند منجر به شکل‌گیری تجارت خارجی شود. مجدالملك که در اوایل مشروطیت از سبزواری عبور کرده است وضع کلی ناحیه سبزواری را مطلوب و «بلوک سبزواری» را از بلوک حاصل خیز خراسان برمی‌شمارد. چنانکه نیروی انسانی کشاورزی ماهر از یزد برای کشاورزی به دشت سبزواری مهاجرت کرده بودند.^۱ گزارش دیگری مردم سبزواری را «متمول» و برخلاف صورت ظاهر شهر، ولایت را آباد، دهات را خوب و مزارع را زیاد توصیف می‌کند.^۲

گزارش‌های مشخصی درباره محصولات نواحی مختلف سبزواری در اواخر دوره قاجار در دست است. توجه به این گزارش‌ها مؤید این گزاره است که تجارت کالا در سبزواری تا حدود زیادی بر نوع محصولات کشاورزی و کمیت آن در منطقه تأثیر داشته و بالعکس نوع محصولات کشاورزی بر شکل تجارت بی‌تأثیر نبوده است. دادوستد در سبزواری به تجارت داخلی و خارجی تقسیم می‌شد. برخی تولیدات فقط مصرف داخلی داشت و برخی دیگر مستقیماً به مرز برده و به روسیه صادر می‌شد.

در مزیان، یکی از بلوک‌های سبزواری، ابریشم و پنبه بسیار حاصل می‌شد. این بلوک دهات و مزارع متعدد داشت و آبش از قنات بود.^۳ قریه داورزن^۴ بسیار آباد بود. درختان چنار بزرگ، باغ‌های متعدد، انگور مرغوب، درختان توت بسیار برای تربیت کرم ابریشم، زراعت انبوه از نوع «شتوی» (محصولات کشاورزی که در فصل سرد سال کاشته می‌شد، همچون جو و گندم) و «صیفی» (محصولاتی که در فصل گرم سال به عمل می‌آمد، مانند هندوانه و خربزه) و از همه مهم‌تر پنبه که برای صادرات به شهر سبزواری فرستاده می‌شد در این قریه به عمل می‌آمد. چندین آسیا در مصب آب داورزن واقع بود.^۵

در روستای صدخرو کشت و کار محصولات صیفی و شتوی برقرار بود. هندوانه و انگور خوب به عمل می‌آمد.^۶ باغات و کشتزارهای بسیار داشت. هندوانه دیمی هم بسیار بود.^۷ حجم تولید غلات در آنجا در بسیاری از سال‌ها به ۱۵۰۰ خروار می‌رسید. از این رو مالیاتی که به دولت پرداخت می‌شد بیشتر از داورزن بود. درختان بسیار توت برای کرم ابریشم و انگور و خربزه و سایر میوه‌های خوش طعم در آنجا

۱. احمد مجدالاسلام کرمانی، سفرنامه کلات (اصفهان: دانشگاه اصفهان، بی‌تا)، ص ۱۲۲.

۲. سیف‌الدوله، ص ۳۰۲.

۳. همان، صص ۳۰۰-۳۰۱.

۴. داورزن هم‌اکنون مرکز شهرستانی به همین نام است که به‌تازگی از شهرستان سبزواری جدا شده است. برخلاف گذشته تاریخی در حال حاضر مزیان از توابع شهرستان داورزن است.

۵. داورزن به همراه تعدادی آبادی دیگر جزء بلوک مزیان بود. سفرنامه‌های خطی فارسی، ج ۱، صص ۶۴۶-۶۴۷.

۶. غلامحسین افضل‌الملک، سفرنامه خراسان و کرمان (تهران: توس، ۱۳۴۸)، ص ۴۰.

۷. طهرانی، ص ۳۸.

کشت می‌شد.^۱

روستای مهر هم آباد بود. باغات زیادی داشت و شرایط زراعی آن مساعد بود. پنبه و ابریشم بسیار به عمل می‌آوردند.^۲ درختان و باغ‌های روستای مهر جهت شمال به جنوب داشت و از دور باشکوه می‌نمود. محصولات تجاری مهر بیشتر جو، گندم و پنبه بود و بیشتر درختان آن توت، برای تربیت کرم ابریشم، بود.^۳ قبل از رسیدن به سبزوار از سمت تهران دو نهر آب از راه می‌گذشت و در سمت چپ راه دهات و مزارع بسیار بود.^۴

در زمین‌های اطراف شهر سبزوار از هر طرف کشتزارها، به‌ویژه پنبه، گسترده بودند.^۵ افزون بر این، شهر سبزوار را کمربندی سبز از باغات احاطه کرده بود. از این رو یکی از سفرنامه‌نویسان که در سال ۱۳۲۵ق/۱۹۰۸م از سبزوار دیدن کرده است احتمال می‌دهد وجه‌تسمیه سبزوار به خاطر سرسبزی درختان این باغ‌ها باشد.^۶ این گزارش‌ها نشان می‌دهند علاوه بر پیشه‌وران شهری زارعان هم در شهر زندگی می‌کردند و به همین دلیل همبستگی جدایی‌ناپذیری بین صنایع‌دستی و بازرگانی با فعالیت‌های کشاورزی بود. در بازار شهر صنعتگران شهری مایحتاج صنعتی مردم شهر و روستاهای اطراف را می‌ساختند. مسگران و سفالگران ظروف مسی و سفالی لعابدار تولید می‌کردند و آهنگران ابزارهای کشاورزی از قبیل بیل و کلنگ و تیشه می‌ساختند.^۷ در سمت غرب در ده ایزی و زعفرانی خربزه‌های بندی و دیمی می‌کاشتند که بسیار ویژه بودند.^۸ انواع میوه‌های سردسیری در سبزوار فراوان بود.^۹ در فصل بهار، سبزوار ربواس خوبی داشت که خیلی آبدار و لطیف و خوش طعم بود.^{۱۰}

در کوه‌میش که نام بلوک بسیار معتبری است، کشت و کار هم دیمی و هم آبی بود. برخی دهات آن غله‌خیز بودند و در تمام دهات انواع درختان در باغ‌ها وجود داشت. انار و انجیر بسیار خوب به عمل می‌آمد. حجم تولیدات باغی بسته به خشک‌سالی و ترسالی متفاوت بود. بسیاری از درختان و باغ‌ها در سال‌های خشک از بین می‌رفت، اما در سال‌های پربرندگی محصول فراوان بود. مردم کوه‌میش اغلب فقیر بودند و پرداخت مالیات برای آنها سنگین بود.^{۱۱} کوه‌میش همان جایی بود که حکومت مرکزی

۱. سفرنامه‌های خطی فارسی، ج ۱، ص ۶۴۷

۲. سیف‌الدوله، ص ۳۰۱.

۳. سفرنامه‌های خطی فارسی، ج ۱، ص ۶۴۸.

۴. سیف‌الدوله، صص ۳۰۱-۳۰۲.

۵. کرزن، ج ۱، سیف مه ه سبزوار فراوان می ه می، ص ۳۶۲؛ طهرانی، ص. سیف مه ه سبزوار فراوان می ه می ۳۸.

۶. دآلمانی، ص ۶۸۷.

۷. بیت، ص ۶۹۱؛ دآلمانی، ص ۴۰۱.

۸. افضل‌الملک، ص ۱۲۸.

۹. شیروانی، صص ۳۰۴-۳۰۵.

۱۰. سفرنامه‌های خطی فارسی، ج ۳، ص ۶۱۱.

۱۱. افضل‌الملک، ص ۱۰۹.

می‌بایست میزان مالیات آن را براساس وضعیت آب و هوایی تعیین می‌کرد.

استخراج مس از معادن کوه‌های سبزواری در این دوره انجام می‌شد. کرزن براساس شنیده‌ها معادن سبزواری را غنی‌ترین معادن شمال ایران می‌داند و احتمال می‌دهد شرکت معادن ایران اقدام به استخراج آن نماید.^۱ سیف‌الدوله می‌نویسد «در این بیابان‌ها از سمنان الی سبزواری همه جا سنگ مس هست که در این بیابان بسیار است.»^۲ در کوه‌های سبزواری که بعضی آن را معرب کوه مس می‌دانند، معدن مس فعال بود؛ «هر سال رعایای آنجا کار کرده بارها و قنطارها و خروارها مس بیرون می‌آوردند و مالیات به دیوان می‌دهند.»^۳ معادن چوند، همایی و نهرو در تپه‌های جنوب سبزواری و پاقعه در کوه‌های جغتای در شمال سبزواری مهم‌ترین معادن مس خراسان به شمار می‌رفتند.^۴ در بازار سبزواری ظروف مسی تولید و به سکنه نواحی پیرامون فروخته می‌شد.^۵ معادن سرب در سبزواری وجود داشت که استخراج آنها به مستأجران خصوصی واگذار شده بود.^۶ مهدیقلی خان هدایت که به همراه خانواده مدتی در سبزواری می‌زیسته است، سبزواری را دارای معدن فیروزه می‌داند. او می‌نویسد «در معدن فیروزه سبزواری سرقتی شده بوده... که سه نفر را مقصر دانسته بودند و شاه به بند و حبس آنها امر داده بودند، در منزل ما محبوس بودند.»^۷

در دشت جوین سبزواری علاوه بر تولید محصولات نظیر پنبه و غلات و صیفی، تولید ابریشم رواج داشت.^۸ در کوه‌های جوین معدنی بود که «سنگ پازهر»^۹ داشت. از آن معدن سنگ سبز رنگی بیرون آورده، تسبیح و قاشق و وسایل دیگر می‌ساختند.^{۱۰} در منزل عباس آباد تسبیح جوینی برای فروش عرضه می‌کردند. این تسبیح کالای نفیسی بود که در تمام ایران شناخته شده بود.^{۱۱} تنباکو یکی از اقلامی بود که در کوه حمائی، از بلوک کوه‌های سبزواری، به مقدار زیاد به عمل می‌آمد که برای مردم سبزواری و بلوکات آن کافی بود ولی به خارج صادر نمی‌شد. «این تنباکو از تنباکوی کاشان بهتر و مثل تنباکوی شهر طبس یا بهتر از آن بود.»^{۱۲}

۱. کرزن، ج ۱، ص ۳۶۰.

۲. سیف‌الدوله، ص ۲۹۸.

۳. افضل‌الملک، صص ۱۰۸-۱۰۹.

۴. کرزن، ج ۲، ص ۶۱۶.

۵. دالمانی، ص ۶۸۸؛ کرزن، ج ۱، ص ۳۶۰.

۶. کرزن، ج ۲، ص ۶۱۶.

۷. مهدیقلی هدایت، *خطرات و خطرات: توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من (تهران: زوار، ۱۳۸۵)*، ص ۷۶. منظور هدایت از معدن فیروزه سبزواری شاید همان معدن فیروزه شهرستان فیروزه واقع در شمال غرب نیشابور و شرق سبزواری باشد.

۸. بیت، ص ۳۶۸.

۹. پادزهر، به معنای ضد زهر، سنگی خاص بوده که از کوه‌های منطقه به دست می‌آمده است. به عربی به آن «حجر التیس» می‌گفتند. برای آگاهی بیشتر ن.ک: محمدحسین بن خلف برهان، *فرهنگ فارسی برهان قاطع (تهران: افراسیاب، ۱۳۸۰)*، ص ۶۴۴.

۱۰. سیف‌الدوله، ص ۳۰۲.

۱۱. مجدالاسلام کرمانی، ص ۱۲۱.

۱۲. افضل‌الملک، ص ۱۰۹.

۴. بازار سبزوار

محل خرید و فروش کالاهایی که در ناحیه سبزوار تولید می‌شد یا از نواحی دور و نزدیک به سبزوار می‌رسید، بازار شهر بود. شهر سبزوار به دلیل قرار داشتن در مسیر تاریخی جاده موسوم به ابریشم، بیشتر در جهت شرقی به غربی توسعه یافته بود تا شمالی به جنوبی. به عبارت دیگر، وسعت بازار در جهت شمال به جنوب با وسعت آن در جهت شرق به غرب قابل مقایسه نبود. مسافرانی که قصد رفتن به مشهد یا تهران را داشتند از میان شهر عبور می‌کردند و تماس نزدیکی با بازار داشتند و در تمام مسیری که از میان شهر می‌گذشتند از بازار عبور می‌کردند.^۱ در واقع بازار ساختار اصلی شهر را شکل می‌داد و ساختار اقتصادی شهر بر آن منطبق بود.^۲ در اواخر عصر قاجار بازار سبزوار یکی از دوره‌های پررونق خود را تجربه کرده است. کلنل بیت که در سال ۱۳۱۵ ق/ ۱۸۹۸ م بازار سبزوار را دیده است درباره آن می‌نویسد «سبزوار دارای بازاری است تقریباً به طول نیم میل در وسط شهر که از این دروازه تا دروازه دیگر کشیده شده است.^۳ دکان‌های موجود در این بازار آجری و سقف آنها گنبدی شکل بود. می‌گفتند این بازار کلاً دارای ۷۵۰ مغازه^۴ است.»^۵ سیاح محلاتی و عین‌السلطنه نیز بازار سبزوار را آباد و طولانی با دکان‌هایی بسیار وصف می‌کنند.^۶ اظهارات مجدالاسلام کرمانی شکل طولی بازار سبزوار را تأیید می‌کند: «از چاپارخانه که سوار شویم بایستی طول بازار سبزوار را طی کنیم تا از دروازه بیرون برویم.»^۷ در بازار علاوه بر دادوستد محصولات کشاورزی و دامی، صنایع‌دستی مورد نیاز مردم شهر و نواحی وابسته ساخته می‌شد. هر بخش از بازار به صنف مخصوصی از قبیل نمدمالان و نجاران و خراطان و آهنگران و سراجان اختصاص داشت.^۸

۵. گستره ارتباطی و تجاری سبزوار

سبزوار در اواخر دوره قاجاریه به تدریج به شهری تجاری تبدیل می‌شد. این شهر افزون بر اینکه از نظر تجارت خارجی مستقل و بدون واسطه عمل می‌کرد، مازاد تولید شهرهای دیگر را جذب و به خارج صادر می‌کرد. پنبه یکی از کالاهای اساسی ایران برای صادرات در اواخر عهد قاجار بود. از این رو یکی از

۱. سفرنامه‌های خطی فارسی، ج ۱، ص ۶۵۱.

۲. سلطانی فرد، هادی و دیگران، «تحلیل دگرگونی ساختار کالبدی فضایی شهر ایرانی اسلامی (مطالعه موردی: شهر سبزوار)»، مطالعات شهر ایرانی/اسلامی

۱۴، ش ۱۴ (دی ۱۳۹۲)، ص ۲۰.

۳. این دو دروازه موسوم به دروازه عراق و دروازه نیشابور بودند. در حال حاضر هم غیر از بازارهای جدید، مسیر اصلی بازار قدیم هنوز رونق دارد. هرچند در عصر پهلوی اول این مسیر شکل اولیه خود را از دست داد.

۴. کلنل بیت تجارت نیشابور را با آنچه در سبزوار ملاحظه می‌کند قابل مقایسه نمی‌داند. او تعداد مغازه‌های نیشابور را ۴۵۰ باب برآورد می‌کند. بیت، ص ۲۸۴.

۵. همان، ص ۲۷۳.

۶. سالور، ج ۲، ص ۱۶۶۶؛ سیاح محلاتی، ص ۱۶.

۷. مجدالاسلام کرمانی، ص ۱۲۳.

۸. دالمانی، ص ۶۹۳.

کالاهایی که کشت آن در دشت سبزواری رواج یافته و در نقاط مختلف به طور گسترده کشت می شد پنبه بود.^۱ کرزن می نویسد «اخیراً کار تجارت در آنجا رونق فراوان یافته، زیرا که مرکز عمده کشت پنبه شده است.»^۲ تجارت پنبه در سبزواری به اندازه‌ای بود که در سیاحت‌نامه خیالی ابراهیم بیگ هم به آن اشاره شده است.^۳ سیاح محلاتی سبزواری را محل تجارت و عبور و مرور «قوافل به سمت ترکستان روسیه و عشق‌آباد و راه‌آهن ترکستان» می‌داند.^۴ تجارت خارجی سبزواری منحصر به پنبه نبود، بلکه صادرات پشم، ابریشم، میوه‌های خشک که از فرآورده‌های باغی ناحیه سبزواری و نواحی پیرامون به دست می آمد و واردات اجناسی همچون قند و چیت از اقلام تجاری خارجی به شمار می رفتند.^۵ در سال ۱۳۱۵ق/۱۸۹۸م، سال دوم سلطنت مظفرالدین شاه، نزدیک به سی ازمی تبعه روس که هر یک نماینده شرکتی در روسیه بودند در سبزواری مشغول فعالیت بودند.^۶ میزان مبادله تجاری سبزواری از این طریق پانصد هزار تومان، معادل صد هزار پوند، در سال بود^۷ و درآمدی که دولت از این ناحیه به طور سالیانه انتظار داشت، عبارت بود از ۳۳۰۰۰ تومان نقدی و ۴۰۰۰ خروار غله.^۸

نواحی پیرامون و شهرهای همسایه، سبزواری را محل مناسبی برای فروش پنبه و اقلام تجاری دیگر می دانستند. در سال ۱۲۹۳ق/۱۸۷۷م یکی از بزرگان نیشابور برای وصول وجه پنبه خود به سبزواری آمده بود.^۹ محصول پنبه باجرم از طریق سبزواری به روسیه صادر می شد.^{۱۰} آرامنه روس که در شاهرود بودند بخشی از خوراک کارخانه‌های پنبه‌پاک کنی خود را از سبزواری وارد می کردند. آنها پس از جداسازی غوزه از پنبه، پنبه‌ها را با شتر و قاطر از راه چلچیلیان از کنار رودخانه نکا به بندرگز می‌رساندند و از آنجا با کشتی به حاجی طرخان می‌بردند.^{۱۱} بخشی از تجارت قاین از طریق سبزواری انجام می شد. شکر از اقلامی بود

۱. نقش تجاری سبزواری را می‌توان بر پایه نظر ماکس وبر بررسی کرد. او شهرها را از نظر اقتصادی به سه نوع مصرف‌کننده، تولیدکننده و تجاری تقسیم می‌کند که کارکرد آینده شهر به سمت شهر تجاری را به‌خوبی نشان می‌دهد. Weber, p. ۱۲۱۵.

۲. کرزن، ج ۱، ص ۳۶۰.

۳. زین‌العابدین مراغه‌ای، سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ (تهران: آگاه، ۱۳۸۵)، ص ۵۷.

۴. سیاح محلاتی، ص ۱۶.

۵. کرزن، ج ۱، ص ۳۶۰؛ سفرنامه‌های خطی فارسی، ج ۳، ص ۶۱۱.

X. Атаев, Политические и Торгово-Экономические Отношения Северо-Восточного Ирана и России в Начале XX Века (1900-1917 гг), Ашхабад, ЫЛЫМ, 1989, p. 75.

(از سید علی مزینانی برای معرفی این کتاب سپاسگزارم. با آنکه عنوان کتاب آتایف روابط تجاری اقتصادی و سیاسی روسیه با شمال شرق ایران طی سال‌های ۱۹۰۰-۱۹۱۷ است، به نظر می‌رسد در این کتاب حق مطلب درباره جایگاه تجاری سبزواری در تجارت بین ایران و روسیه ادا نشده است.)

۶. بیت، سفرنامه خراسان و سیستان، ص ۳۷۴.

۷. به گفته کنل بیت، حجم مبادلات تجاری سبزواری بسیار بیشتر از نیشابور (همسایه شرقی سبزواری) بود، به طوری که وضعیت تجارت این دو شهر با هم قابل مقایسه نبود. صص ۳۸۴-۳۸۵.

۸. همان، ص ۳۷۴.

۹. اعتصام‌الملک، ص ۷۷.

۱۰. بیت، ص ۳۶۴.

۱۱. مسیح ذبیحی، استرآباد نامه (تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۶)، ص ۱۹۵.

که فقط از روسیه و از طریق سبزوار به این ناحیه آورده می‌شد.^۱ حجم قابل توجهی پشم گوسفند و موی بز از ایران صادر می‌شد. خراسان از مراکز عمده این دو کالا به شمار می‌رفت. از گله‌های ناحیه خراسان، به‌خصوص ناحیه تربت حیدری و گله‌های طوایف صحرائشین مرزی ایران و افغانستان، بهترین پشم به دست می‌آمد. سبزوار مرکز این تجارت بود. دالمانی از کاروانسرای در سبزوار یاد می‌کند که به تجارت پشم اختصاص داشت و تجار آنجا را انبار پشم خود قرار داده بودند. ارامنه مقیم سبزوار سالانه ۱۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ عدل پشم صادر می‌کردند. مقدار زیادی از این پشم از راه روسیه به انگلستان می‌رسید.^۲ پشم‌هایی که به سبزوار آورده می‌شد با شتر برای صادرات به عشق‌آباد فرستاده می‌شد. کلنل بیت در سال ۱۳۱۵ق/۱۸۹۸م تعداد زیادی از این شترها را که بار پشم داشتند و از سبزوار به سمت عشق‌آباد در حرکت بودند دیده است.^۳ هرچند گفته می‌شد تمامی تجارت بیرجند از طریق بندرعباس انجام می‌شود، اما کلنل بیت این نقل قول را صد در صد صحیح نمی‌داند. زیرا پشم آنجا به سبزوار می‌رفت و از آنجا به خارج صادر می‌شد. افزون بر این شکر روسیه از راه سبزوار با قیمتی ارزان‌تر نسبت به شکر فرانسه که از راه بندرعباس می‌آمد به بیرجند آورده می‌شد.^۴ از سیستم سالانه ۷۰۰۰ بار شتر چرم، پشم و پوست بز برای صدور به روسیه به سبزوار فرستاده می‌شد.^۵ لباس‌های پشمی برای فروش در بازار سبزوار برای مصرف داخلی بافته می‌شد.^۶

از اقلام دیگری که تجارت آن در سبزوار شهرت جهانی داشت ابریشم و تخم نوغان بود.^۷ محقق فرانسوی در سال ۱۳۲۷ق/۱۹۰۹م پس از بررسی‌های خود معروف‌ترین نوغان ایران را نوغان موسوم به نژاد سبزواری می‌داند که پيله‌های آن به بزرگی یک تخم‌مرغ کوچک می‌رسد.^۸ در این زمان نوغان گیلان که پیش‌تر مشهور بود ضعیف و ضایع شده بود.^۹ تجارتخانه تومانیانس سبزوار در تجارت تخم نوغان هم دست داشت.^{۱۰} وقتی در سال ۱۲۹۰ق/۱۸۷۳م معلوم شد تخم نوغان سبزوار بهتر از نمونه ژاپنی آن است، برخی تجار نوغان ضعیف گیلان را می‌خریدند و به تجار سبزوار می‌فروختند و آنها هم دوباره به‌عنوان نوغان سبزوار در گیلان به فروش می‌رساندند.^{۱۱}

۱. بیت، ص ۶۲.

۲. کرزن، ج ۲، صص ۶۰۷-۶۰۸؛ دالمانی، ص ۶۸۶.

۳. بیت، ص ۱۵۷.

۴. همان، ص ۶۷.

۵. همان، ص ۸۰.

۶. دالمانی، ص ۶۸۸؛ کرزن، ج ۱، ص ۳۶۰.

۷. چارلز فیلیپ عیسوی، *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار، ۱۲۱۵-۱۳۳۲ق)*، ترجمه یعقوب آژند (تهران: گستره، ۱۳۸۸)، ص ۳۶۳؛ Атаев, p. ۷۵.

۸. تقی بهرامی، *تاریخ کشاورزی ایران* (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۰)، ص ۱۰۳.

۹. فردی آگاه به وضعیت کشور در نامه‌ای به میرزا حسین خان سپهسالار از تباهی نوغان گیلان و خسارت ۳۰ کروری به اقتصاد کشور خبر می‌دهد. اصغر

مهدوی و هما ناطق «روزگار یک اهل قلم در دوره قاجار (قسمت دوم)»، یاد ۷۱-۷۲، ش ۱۹ (۴ فروردین ۱۳۸۳)، ص ۲۶۵.

۱۰. مرکز اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند ش ۲۰-۲۲، ۱۳۱۷ق.

۱۱. عیسوی، ص ۳۵۶.

تجارت شهر سبزوار افزون بر پنبه، پشم، ابریشم و خشکبار شامل اقلامی همچون قالی،^۱ پازهر، باربچه^۲ و مازاد غلات می‌شد.^۳ شیروانی از حیوانات و غله فراوان سبزوار یاد می‌کند.^۴ چنانکه همواره از زمان شکل‌گیری حکومت قاجار، بخش بزرگی از مالیات سبزوار با غله پرداخت می‌شد. در اواخر دوره قاجار مازاد غله سبزوار، توسط تجار وابسته، هم به روسیه و هم به شهرهای اطراف حتی سمنان و تهران صادر می‌شد.^۵ سبزوار تنها محل تولید غله نبود بلکه بخشی از دادوستد مازاد غله شهرهای غله‌خیز پیرامون در سبزوار صورت می‌گرفت.^۶ در سال ۱۳۱۵ق/ ۱۸۹۸م کلنل بیت‌الغ‌هایی را مشاهده می‌کند که از سبزوار چای سبز و ارزان هندی برای مصرف ترکمن‌ها حمل می‌کنند.^۷ مقدار زیادی اجناس از راه یزد به سبزوار حمل می‌شد.^۸ میوه‌های خشک یا خشکبار سبزوار مخصوصاً بادام در بازارهای جهانی به خوبی و مرغوبی شهرت داشت.^۹ در سبزوار انار و انجیر خوب به عمل می‌آمد. بخشی از این دو محصول به مصرف داخلی می‌رسید و بخشی دیگر به نواحی پیرامون صادر می‌شد، به طوری که بخشی از انجیر و انار مشهد را سبزوار تأمین می‌کرد.^{۱۰}

از دلایل اهمیت تجاری سبزوار در اواخر دوره قاجار، تأسیس مؤسسات پولی و بانکی در این شهر بود که از لوازم کار تجارت به شمار می‌روند. این مؤسسات که منشأ خارجی داشتند و با پشتوانه روس‌ها ایجاد شده بودند نشان‌دهنده اراده‌ای بیرونی برای رونق تجارت در سبزوار بودند. دولت روسیه ضعف نظام شه‌پدیری را در زمینه ایجاد امنیت جبران کرد و درصدد بهره‌برداری تجاری از مناطق شمالی ایران از جمله سبزوار برآمد. از این رو روس‌ها غیر از سرزمین‌هایی که با قرارداد آخال رسماً مالک شده بودند از ثمره امنیت به‌وجودآمده هم برخوردار می‌شدند. اولین تجارت‌خانه‌ای که در ایران به کار صرافی و بانکداری، به شکل وسیع و جدید آن، روی آورد تجارت‌خانه تومانیانس بود. این مؤسسه فقط در ۹ شهر

۱. شایان ذکر است در این دوره بیرجند و قاین از مهم‌ترین مراکز قالی در ایران بودند. کرزن این دو منطقه را در صدر مراکز قالی ایران قرار می‌دهد. کرزن، ج ۲، ص ۶۲۳.
 ۲. نام علمی آن *Ferula gumosa* Boiss صمغی است که با نام‌های بارزد، خلبانی، پیرزد و... نیز در متون دارویی ساخته می‌شود. غیر از کاربردهای متنوع دارویی، در صنعت قدیم برای لحیم کردن فلزاتی مثل برنج و مس نیز از آن استفاده می‌شد. برهان، صص ۱۱۶، ۱۴۳، ۱۷۳، ۳۴۷، ۶۹۱، ۷۴۰. این صمغ از گیاهی به دست می‌آید که در کوه‌های ناحیه سبزوار فراوان می‌روید.
 ۳. سفرنامه‌های خطی فارسی، ج ۳، ص ۶۱۱: سیف‌الدوله، ص ۳۰۲.
 ۴. شیروانی، ص ۳۰۵.
 ۵. حسن فراهانی، روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۱ (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵)، صص ۴۳۹، ۴۴۳.
 ۶. «کتابچه اسفراین»، *جغرافیای نفوس خراسان در عصر ناصری*، به کوشش رضا نقدی (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۰)، ص ۱۱۹؛ کاظم خادمیان (مترجم)، فرهنگ جغرافیایی ایران (مشهد: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۰)، صص ۷۷، ۱۲۸، ۷۵۵. به نقل از مرتضی دانشیار، محمدعلی کاظم بیکی، «قحط و غلای ۱۲۸۸ق در خراسان: زمینه، روند و تبعات اقتصادی»، تاریخ و فرهنگ، ش ۹۴ (بهار و تابستان ۱۳۹۴)، ص ۱۱۷.
 ۷. بیت، ص ۱۵۷.
 ۸. کرزن، ج ۲، ص ۲۹۶.
 ۹. دآلمانی، ص ۶۸۸.
 ۱۰. سیف‌الدوله، صص ۳۱۵، ۳۸۸.

ایران شعبه داشت که یکی از آنها سبزواری بود.^۱ در خارج از کشور در شهرهای بادکوبه، حاجی طرخان، مسکو، برلین، پاریس، لندن و قسطنطنیه شعبه نمایندگی داشت. تومانیان در مدتی کوتاه توانست در خرید و فروش ارز با بانک شاهنشاهی رقابت کند و با افتتاح حساب جاری برای مردم، پرداخت وام و دادن بهره به موجودی تا ۶٪ موفقیت زیادی به دست آورد.^۲ بانک استقراضی در سال ۱۳۰۸ ق/۱۸۹۱ م اندکی پس از بانک شاهنشاهی، با موافقت ناصرالدین شاه، تأسیس شد. این بانک تنها در ۱۵ شهر ایران شعبه داشت که یکی از آنها سبزواری بود.^۳

یکی دیگر از شاخص‌های رونق و آبادانی یک شهر رشد جمعیت است. در سال ۱۲۸۷ ق/۱۸۷۱ م بر اثر قحطی، سبزواری دو سوم جمعیت خود را از دست داد و جمعیت از ۳۰۰۰۰ نفر به ۱۰۰۰۰ نفر رسید. اما این شهر به سرعت کمبود جمعیت خود را جبران کرد. چنانکه دو دهه بعد کرزن جمعیت سبزواری را ۱۸۰۰۰ نفر برآورد می‌کند و در زمان ورود کلنل بیت (۱۳۱۵ ق/۱۸۹۱ م) سبزواری ۱۲۰۰۰ خانوار داشت^۴ که اگر به‌طور متوسط هر خانوار ۴ نفر باشند در حدود ۵۰۰۰۰ نفر جمعیت داشته است.^۵ این رشد صعودی جمعیت نشان می‌دهد سبزواری در اواخر عصر قاجار بعد از مصیبت ۱۲۸۷ ق/۱۸۷۱ م در شاخص جمعیت نه تنها رشد منفی نداشته بلکه شهری مهاجرپذیر بوده است. قبل از این به مهاجرت یزدی‌ها به ناحیه سبزواری اشاره شد.^۶ تجار آذربایجانی به‌ویژه از دو روستای میلان و اسکو^۷ که هم‌اکنون با عنوان شهر اسکو شناخته می‌شوند از مهاجران به سبزواری به‌شمار می‌رفتند. آنها پس از رونق گرفتن کار تجارت در سبزواری در اواخر دوره قاجار به این شهر آمدند و افزون بر کار تجارت که پیشه اصلی آنها بود در سبزواری و روستاهایش املاک و اراضی کشاورزی خریدند و به کار ملک‌داری پرداختند.^۸

نتیجه‌گیری

در نیمه اول دوره قاجار نگاه حکومت به سبزواری نگاهی اطاعت‌طلبانه بود. از این رو به مسئله امنیت و بازسازی زیرساخت‌های ارتباطی که از مقدمات ضروری تجارت هستند توجهی نداشت. در این زمان

۱. فراهانی، ج ۱، ص ۲۹.

۲. همان.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۱۳.

۴. کرزن، ج ۱، ص ۳۵۹؛ بیت، ص ۳۷۴.

۵. یک عامل مهم کاهش جمعیت شهرها در آن دوره شیوع بیماری‌های واگیر بود. برای مثال در محرم سال ۱۳۲۲ ق/۱۹۰۵ م شیوع وبا باعث مرگ و میر و فرار مردم از سبزواری شد. «آگاهی‌های پراکنده تاریخی درباره سبزواری در قرن سیزدهم هجری»، به تصحیح فرشته کوشکی، پیام بهارستان، ش ۵ (پاییز ۱۳۸۸)، ص ۲۷۴.

۶. هم‌اکنون برخی خانواده‌های سبزواری در نام خانوادگی خود پسوند یزدی و مهریزی دارند.

۷. یکی از جاذبه‌های گردشگری شهر کنونی سبزواری خانه اسکویی‌ها است.

۸. غنی، ج ۱، ص ۶۱؛ یوسف متولی حقیقی، یاد ایام: نگاهی به زندگانی روانشاد غلامعلی میلانی یا پرگی از تاریخ معاصر سبزواری، با همکاری سعید میلانی (مشهد: انتشارات مرنديز، ۱۳۹۷)، صص ۱۹-۳۰.

شبیخون تر کمن‌ها و سوء مدیریت کارگزاران حکومتی از موانع اصلی توسعه تجارت در سبزواری بودند. چند سال بعد از جلوس ناصرالدین شاه حکومت مرکزی تا حدودی تدابیر آبادگرانه را سرلوحه کار خود قرار داد و روس‌ها با سرکوب تر کمن‌ها در آسیای میانه امنیت را به وجود آوردند. بعد از شورش سالار شورش قابل توجهی در منطقه اتفاق نیفتاد و خوانین و مدعیان از سرزمین‌های پیرامون به سبزواری حمله نکردند. از سوی دیگر سیاست روسیه در این زمان بهره‌برداری اقتصادی از ایران به‌ویژه در مناطق شمالی بود. دو قدرت خارجی روس و انگلیس اقتدار حکومت مرکزی را در دوره قاجار تضعیف کرده بودند و بسته به مناطق جغرافیایی تحت نفوذ خود، در گاه مقتضی و بنا بر منافع خود جای دولت مرکزی را می‌گرفتند. به عبارت دیگر، حکومت قاجار ناگزیر به خاطر ضعف بنیادی در برخی مواقع حتی اقتدار خود را بین این دو قدرت خارجی تقسیم می‌کرد تا حیات خود را تضمین کند (سیاست موازنه مثبت).

بعد از قرارداد آخال و امن شدن راه‌ها یک دوره آرامش نسبی به وجود آمد که طی آن حجم تولید و تجارت داخلی و خارجی افزایش یافت. این شرایط و اراده روس‌ها برای بهره‌برداری تجاری از مناطق شمالی ایران، زمینه‌های رشد تجارت داخلی و خارجی را در سبزواری فراهم کرد. از این رو سبزواری رونق تجارت خود را بیشتر از آنکه مدیون حکومت قاجار باشد مدیون اقدامات روسیه در تأمین امنیت و توسعه تجارت خود در صفحات شمالی ایران بود. در این دوره مازاد تولید منطقه‌ای کالاها، امنیت و بازار مصرف منجر به شکل‌گیری تجارت خارجی و سرآغازی برای اقتصاد تجاری و فراهم شدن زمینه برای ایجاد شهر تجاری شد. افزایش تولید کالاهایی همچون پنبه، ابریشم و پشم در منطقه سبزواری به تأمین نیازهای اقتصاد تجاری از نوع خام‌فروشی و از بین رفتن تدریجی صنایع بومی انجامید. ارتباط بین خام‌فروشی، حذف صنایع بومی و جایگزینی محصولات کارخانه‌ای کشورهای صنعتی، پژوهش‌های مستقلی را در سطح ملی و محلی طلب می‌کند.

کتابنامه

- آرشیو اسناد مؤسسه تاریخ معاصر ایران.
آرشیو سازمان اسناد ملی.
اشرف، احمد، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۴ (۱۳۵۳)، صص ۷-۴۹.
اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی، *مرآة البلدان*، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۶۷.
اعتصام‌الملک، میرزا خانلرخان، *سفرنامه خانلرخان اعتصام‌الملک*، تهران: منوچهر محمودی، ۱۳۵۱.
افضل‌الملک، غلامحسین، *سفرنامه خراسان و کرمان*، تهران: توس، ۱۳۴۸.
افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت الله، *نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار فی تاریخ الصفویه*، تصحیح احسان اشراقی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

- امین، علینقی، *تاریخ سبزوار*، تهران: دایرةالمعارف ایران شناسی، ۱۳۸۲.
- برهان، محمدحسین بن خلف، *فرهنگ فارسی برهان قاطع*، تهران: افراسیاب، ۱۳۸۰.
- بهرامی، تقی، *تاریخ کشاورزی ایران*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۰.
- بیهقی، علی بن زید، *تاریخ بیهقی*، تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۶۱.
- بیهقی، محمود، *سبزوار شهر دانشوران بیدار*، سبزوار: دانشگاه آزاد اسلامی (سبزوار)، ۱۳۷۶.
- ، *سبزوار*، شهر دیرینه‌های پایدار، مشهد: کتابستان، ۱۳۷۰.
- جغرافیای نفوس خراسان در عصر ناصری*، به کوشش رضا نقدی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۰.
- خادمیان، کاظم (مترجم)، *فرهنگ جغرافیایی ایران*، مشهد: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۰.
- تذکره الملوک*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: طهوری، ۱۳۳۲.
- خاوری شیرازی، فضل‌الله بن عبدالنبی، *تاریخ نوالقرنین*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰.
- خورموجی، محمدجعفر بن محمدعلی، *تاریخ قاجار: حقایق الاخبار ناصری*، تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۴۴.
- دانشیار، مرتضی و کاظم بیکی محمدعلی، «*قحط و غلای ۱۲۸۸ ق در خراسان: زمینه، روند و تبعات اقتصادی*»، تاریخ و فرهنگ، ش ۹۴ (بهار و تابستان ۱۳۹۴)، صص ۱۱۳-۱۳۵.
- دآلمانی، هانری رنه، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری: مشتمل بر طرز زندگی، آداب و رسوم، اوضاع اداری، اجتماعی، اقتصادی، فلاحی و صنایع ایران از زمان قدیم تا پایان سلطنت قاجاریه*، ترجمه علیمحمد فرهوشی، تهران: ابن سینا، ۱۳۳۵.
- ذبیحی، مسیح، *استرآباد نامه*، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۶.
- روزنامه خورشید*، س ۱، ش ۶۴ سوم شوال ۱۳۲۵ ق.
- رهربرن، کلاوس میسائیل، *نظام ایالات در دوره صفویه*، ترجمه کیکائوس جهانداری، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- سالور، قهرمان میرزا، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.
- سفرنامه‌های خطی فارسی*، تهران: نشر اختران، ۱۳۸۸.
- سلطانی‌فرد، هادی، *حاتمی‌نژاد حسین*، عباس‌زادگان مصطفی و پوراحمد احمد، «*تحلیل دگرگونی ساختار کالبدی فضایی شهر ایرانی اسلامی (مطالعه موردی: شهر سبزوار)*»، *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، س ۴، ش ۱۴ (زمستان ۱۳۹۲)، صص ۱۳-۲۲.
- سیاح محلاتی، محمدعلی، «*سبزوار و نیشابور در عصر ناصری*»، حافظ، ش ۹۷، (شهریور ۱۳۹۱)، صص ۱۶-۱۷.
- سیف‌الدوله، سلطان محمد میرزا قاجار، *سفرنامه سیف‌الدوله*، تهران: نی، ۱۳۶۴.
- شیروانی، زین‌العابدین بن اسکندر، *بستان‌السیاحه*، تهران: سنایی، بی‌تا.
- طهرانی، مصطفی، *سفرنامه گوهر مقصود: خاطرات سیاسی و اجتماعی دوره استبداد صغیر*، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۵.
- عیسوی، چارلز فیلیپ، *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار، ۱۱۲۱۵-۱۳۳۳ ق)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره، ۱۳۸۸.
- غنی، قاسم، *یادداشت‌های دکتر قاسم غنی*، به کوشش سیروس غنی، هاله اسفندیاری و حسین نمینی، تهران: آبان، ۱۳۶۱.

- فراهانی، حسن، روزشمار تاریخ معاصر ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵.
- فوران، جان، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۱۷۹ شمسی تا انقلاب اسلامی. ترجمه احمد تدین، تهران: رسا، ۱۳۹۲.
- کاظم‌زاده، فیروز، روس و انگلیس در ایران: ۱۸۶۴-۱۹۱۴؛ پژوهشی درباره امپریالیسم، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
- کرزن، جورج ناتانیل، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
- کوشکی، فرشته، «آگاهی‌های پراکنده تاریخی درباره سبزوار در قرن سیزدهم هجری»، پیام بهارستان، ش ۵ (۱ مهر ۱۳۸۸)، صص ۲۶۱-۳۰۱.
- متولی حقیقی، یوسف، یادایم: نگاهی به زندگانی روان شاد غلامعلی میلانی یا برگی از تاریخ معاصر سبزوار، با همکاری سعید میلانی، مشهد: انتشارات مرندیز، ۱۳۹۷.
- مجدالاسلام کرمانی، احمد، سفرنامه کلات، اصفهان: دانشگاه اصفهان، بی‌تا.
- مراغه‌ای، زین‌العابدین، سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ، تهران: آگاه، ۱۳۸۵.
- مروجی، حسن، تذکره سخنوران بیهق، سبزوار: امید مهر، ۱۳۸۸.
- مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱.
- ملکم، جان، تاریخ کامل ایران، ترجمه اسماعیل بن محمدعلی حیرت، تهران: افسون، ۱۳۸۰.
- منشی قزوینی، بوداق، جواهر الاخبار: بخش تاریخ ایران از قراقویونلو تا سال ۹۸۴ق، تصحیح محسن بهرام‌نژاد، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸.
- مهدوی، اصغر، و ناطق هما، «روزگار یک اهل قلم در دوره قاجار (قسمت دوم)»، یاد ۷۱-۷۲، ش ۱۹ (۴ فروردین ۱۳۸۳)، صص ۲۵۷-۶۷.
- هدایت، رضاقلی خان، فهرس التواریخ، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.
- هدایت، مهدیقلی، خاطرات و خطرات: توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من، تهران: زوار، ۱۳۸۵.
- ییت، چارلز ادوارد، سفرنامه خراسان و سیستان، ترجمه مهرداد رهبری و قدرت‌الله روشنی، تهران: یزدان، ۱۳۶۵.
- Weber, Max, Economy and Society: An Outline of Interpretive Sociology, Losangelese: University of California Press, 1978.
- Атаев, X, Политические и Торгово-Экономические Отношения Северо-Восточного Ирана и России в Начале XX Века (1900-1917 гг), Ашхабад, ۱۹۸۹.

Archive of SID